



پیش‌بینی هراس اجتماعی کودکان بر اساس کمال‌گرایی و شدت علائم وسواس فکری مادران: یک مرور سیستماتیک و شواهد تجربی

زهرا پارسا

کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی



DOI: 10.22606.0338
MNR-352-2-21C84D

هراس اجتماعی کودکان یکی از شایع‌ترین اختلالات اضطرابی دوران کودکی است که پیامدهای گسترده‌ای بر عملکرد تحصیلی، اجتماعی و هیجانی آنان بر جای می‌گذارد. پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که عوامل خانوادگی، به‌ویژه ویژگی‌های روان‌شناختی والدین، نقش مهمی در شکل‌گیری و تداوم این اختلال ایفا می‌کنند. هدف از پژوهش حاضر، مرور نظام‌مند مطالعات مرتبط با نقش کمال‌گرایی و شدت علائم وسواس فکری مادران در پیش‌بینی هراس اجتماعی کودکان و ارائه شواهد تجربی در این حوزه است. روش پژوهش حاضر از نوع مرور نظام‌مند بود که با جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی شامل SID، Magiran، IRANDOC و Google Scholar با کلیدواژه‌های مرتبط در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴ انجام شد. در مجموع ۲۸ مطالعه شناسایی شد که پس از اعمال معیارهای ورود و خروج، ۱۸ مطالعه وارد تحلیل نهایی شدند. یافته‌ها نشان داد که کمال‌گرایی مادران، به‌ویژه ابعاد خودمحور، جامعه‌محور و دیگرمحور، با هراس اجتماعی کودکان رابطه مثبت معنادار دارد. همچنین شدت علائم وسواس فکری مادران از طریق مکانیزم‌هایی نظیر الگوسازی رفتاری، سبک‌های فرزندپروری اقتدارگرایانه و انتقال هیجانی منفی، قادر به پیش‌بینی هراس اجتماعی فرزندان است. نتایج تحلیل همبستگی ۱۸ مطالعه نشان داد که ضریب همبستگی متوسط بین کمال‌گرایی مادران و هراس اجتماعی کودکان بین ۳۱/۰ تا ۵۲/۰ متغیر است. بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش حاضر بر اهمیت توجه به متغیرهای روان‌شناختی والدین، به‌ویژه مادران، در طراحی مداخلات پیشگیرانه و درمانی هراس اجتماعی کودکان تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: هراس اجتماعی کودکان، کمال‌گرایی مادران، وسواس فکری، مرور نظام‌مند، شواهد تجربی.

هراس اجتماعی یا اضطراب اجتماعی به عنوان یکی از شایع ترین اختلالات روان پزشکی دوران کودکی و نوجوانی، با ترس شدید و مداوم از موقعیت های اجتماعی و ارزیابی منفی احتمالی توسط دیگران شناخته می شود (American Psychiatric Association, 2022). اختلالات روانی (DSM-5-TR)، شیوع این اختلال در کودکان حدود ۷ تا ۱۲ درصد تخمین زده شده است و در صورت عدم درمان به موقع، می تواند زمینه ساز اختلالات متعددی در بزرگسالی نظیر افسردگی، سوء مصرف مواد و اختلالات شخصیت شود. (Kashani et al., 2023)

در سال های اخیر، پژوهشگران حوزه روان شناسی رشدی و بالینی توجه ویژه ای به نقش عوامل خانوادگی در شکل گیری هراس اجتماعی کودکان معطوف کرده اند. در این میان، کمال گرایی والدین به عنوان یک سازه شخصیتی و شناختی، از طریق فرآیندهای اجتماعی شدن و الگوسازی رفتاری، می تواند زمینه ساز اضطراب اجتماعی در فرزندان باشد. (Frost et al., 1990) کمال گرایی به عنوان مجموعه ای از استانداردهای بسیار بالا برای عملکرد همراه با ارزیابی های انتقادی افراطی تعریف می شود که شامل سه بعد اصلی خودمحور (self-oriented)، جامعه محور (socially prescribed) و دیگرمحور (other-oriented) است (Hewitt & Flett, 1991).

از سوی دیگر، وسواس فکری (Obsessive-Compulsive Disorder) به عنوان یکی از اختلالات اضطرابی شایع در والدین، به ویژه مادران، می تواند از طریق مکانیزم های مختلفی بر سلامت روان فرزندان تأثیر بگذارد. مادران مبتلا به علائم وسواس فکری، اغلب الگوهای رفتاری خاصی نظیر اجتناب، شست و شوی مکرر، واریسی مداوم و نگرانی های مفرط را در محیط خانواده نشان می دهند که این رفتارها می تواند به عنوان الگویی برای فرزندان درونی شود. (Rachman, 2002)

نظریه های مختلفی در تبیین رابطه بین ویژگی های روان شناختی والدین و هراس اجتماعی کودکان ارائه شده اند. نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (Bandura, 1977) بر نقش مشاهده و الگوسازی رفتاری والدین تأکید دارد. نظریه دلبستگی بالبی (Bowlby, 1969) نیز بر اهمیت کیفیت رابطه مادر-کودک در شکل گیری الگوهای هیجانی و اجتماعی کودک اشاره می کند. همچنین مدل شناختی کلارک و ولز (Clark & Wells, 1995) نشان می دهد که باورها و طرحواره های شناختی والدین، از جمله باورهای کمال گرایی، می تواند از طریق تعاملات خانوادگی به فرزندان منتقل شود.

با وجود رشد فزاینده پژوهش ها در این حوزه، هنوز خلأهایی در ادبیات پژوهشی فارسی زبان وجود دارد. به ویژه، مرور نظام مندی که به طور جامع به بررسی نقش همزمان کمال گرایی و شدت علائم وسواس فکری مادران در

پیش بینی هراس اجتماعی کودکان بپردازد، محدود است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف مرور نظام مند شواهد تجربی موجود در این زمینه و ارائه یک جمع بندی جامع انجام شده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی نظام مند مطالعات مرتبط با نقش کمال گرایی مادران در پیش بینی هراس اجتماعی کودکان
۲. بررسی نظام مند مطالعات مرتبط با نقش شدت علائم وسواس فکری مادران در پیش بینی هراس اجتماعی کودکان
۳. شناسایی مکانیزم های واسطه ای و تعدیل کننده در این روابط
۴. ارائه پیشنهاد های کاربردی برای طراحی مداخلات پیشگیرانه و درمانی

روش

نوع پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مرور نظام مند است که با هدف جمع آوری، ارزیابی و ترکیب شواهد تجربی موجود در زمینه نقش کمال گرایی و شدت علائم وسواس فکری مادران در پیش بینی هراس اجتماعی کودکان انجام شده است. این مرور بر اساس پروتکل PRISMA (Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses) طراحی و اجرا شد.

استراتژی جست و جو

جست و جوی نظام مند در پایگاه های اطلاعاتی داخلی شامل پایگاه جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Magiran)، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (IRANDOC) و Google Scholar با استفاده از کلیدواژه های ترکیبی فارسی و انگلیسی شامل موارد زیر انجام شد:

- "هراس اجتماعی" AND "کمال گرایی مادران"
- "اضطراب اجتماعی کودکان" AND "وسواس فکری مادر"
- "Social phobia" AND "maternal perfectionism"
- "Childhood anxiety" AND "maternal OCD"
- "هراس اجتماعی" AND "سبک فرزند پروری"

• "کمال گرایی" AND "اضطراب کودکان"

معیارهای ورود و خروج

معیارهای ورود:

۱. مطالعات منتشر شده به زبان فارسی یا انگلیسی در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴
۲. مطالعاتی که نمونه آنها شامل کودکان ۶ تا ۱۲ ساله و مادران آنها بود
۳. مطالعاتی که به بررسی رابطه بین کمال گرایی مادران و هراس اجتماعی کودکان پرداخته بودند
۴. مطالعاتی که به بررسی رابطه بین شدت علائم وسواس فکری مادران و هراس اجتماعی کودکان پرداخته بودند
۵. مطالعات پژوهشی اصیل (مقالات پژوهشی، پایان نامه ها)

معیارهای خروج:

۱. مطالعات مروری، گزارش مورد و نامه به سردبیر
۲. مطالعاتی که نمونه آنها شامل کودکان با اختلالات طیف اوتیسم یا ناتوانی های شناختی بود
۳. مطالعاتی که به زبان های غیر از فارسی و انگلیسی منتشر شده بودند
۴. مطالعاتی که متن کامل آنها در دسترس نبود

فرآیند انتخاب مطالعات

در فرآیند جستجوی اولیه، ۲۸۵ مقاله شناسایی شد. پس از حذف موارد تکراری (۴۲ مورد)، بررسی عنوان و چکیده (۲۱۵ مورد)، ۲۸ مقاله برای ارزیابی متن کامل باقی ماند. در نهایت، ۱۸ مقاله با توجه به معیارهای ورود و خروج وارد تحلیل نهایی شدند.

ارزیابی کیفیت



ارزیابی کیفیت مقالات با استفاده از چکلیست استاندارد JBI (Joanna Briggs Institute) برای مطالعات همبستگی انجام شد. این چکلیست شامل ۹ سؤال با پاسخ های بله، خیر، نامشخص و غیرقابل اجرا است.

یافته ها

ویژگی های مطالعات وارد شده

از ۱۸ مطالعه وارد شده به تحلیل نهایی، ۱۲ مطالعه به زبان فارسی و ۶ مطالعه به زبان انگلیسی بودند. حجم نمونه کل این مطالعات بین ۸۰ تا ۴۵۰ نفر متغیر بود. ۱۴ مطالعه به روش همبستگی و ۴ مطالعه به روش علی-مقایسه ای انجام شده بودند. جدول ۱ خلاصه ای از ویژگی های اصلی مطالعات وارد شده را نشان می دهد.

نقش کمال گرایی مادران در پیش بینی هراس اجتماعی کودکان

یافته های ۱۵ مطالعه از ۱۸ مطالعه بررسی شده، حاکی از رابطه مثبت معنادار بین کمال گرایی مادران و هراس اجتماعی کودکان بود. ضرایب همبستگی گزارش شده در این مطالعات بین ۳۱/۰ تا ۵۲/۰ متغیر بود که نشان دهنده رابطه متوسط تا قوی است.

ابعاد کمال گرایی و رابطه آن ها با هراس اجتماعی:

نتایج تحلیل مطالعات نشان داد که بعد کمال گرایی جامعه محور مادران (باور به اینکه دیگران انتظارات کمال گرایانه از فرد دارند) قوی ترین پیش بین هراس اجتماعی کودکان است (میانگین ضریب همبستگی ۴۸/۰). این یافته با نظریه کمال گرایی اجتماعی هیویت و فلت (۱۹۹۱) همخوانی دارد که معتقدند کمال گرایی جامعه محور با احساس فشار اجتماعی و نگرانی از ارزیابی منفی همراه است.

بعد دوم، کمال گرایی خودمحور مادران (معیارهای شخصی بسیار بالا برای خود) با ضریب همبستگی متوسط ۳۹/۰ با هراس اجتماعی کودکان رابطه داشت. جالب توجه است که این بعد از طریق مکانیزم سبک فرزندپروری اقتدار گرایانه و انتظارات غیرواقع بینانه از کودکان عمل می کند.

کمال گرایی دیگرمحور (انتظارات کمال گرایانه از دیگران، از جمله فرزندان) با ضریب همبستگی ۴۲/۰ نیز پیش بین معنادار هراس اجتماعی کودکان بود. مادران با کمال گرایی دیگرمحور بالا، معمولاً انتقادهای مکرر و مقایسه های اجتماعی را در تعامل با فرزندان به کار می برند.

نقش شدت علائم وسواس فکری مادران در پیش بینی هراس اجتماعی کودکان

از ۱۲ مطالعه‌ای که به بررسی نقش شدت علائم وسواس فکری مادران پرداخته بودند، ۱۰ مطالعه رابطه مثبت معناداری بین این متغیر و هراس اجتماعی کودکان گزارش کردند. ضرایب همبستگی در این مطالعات بین ۰/۲۸ تا ۰/۴۷ متغیر بود.

مکانیزم‌های شناسایی شده:

تحلیل عمیق‌تر مطالعات نشان داد که شدت علائم وسواس فکری مادران از طریق چند مکانیزم اصلی بر هراس اجتماعی کودکان تأثیر می‌گذارد:

۱. **الگوسازی رفتاری:** مادران با علائم وسواسی شدید، رفتارهای اجتنابی، واری مکرر و شست‌وشوی وسواسی را در مقابل کودکان انجام می‌دهند. کودکان این رفتارها را به عنوان الگو درونی کرده و در موقعیت‌های اجتماعی از آن‌ها استفاده می‌کنند.

۲. **سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه:** مادران مبتلا به وسواس فکری، به دلیل نگرانی‌های مفرط از آلودگی و خطر، معمولاً سبک فرزندپروری کنترل‌گر و اقتدارگرایانه‌ای را به کار می‌برند که با اضطراب اجتماعی بالاتر در کودکان همراه است.

۳. **انتقال هیجانی منفی:** محیط خانوادگی مادران مبتلا به وسواس فکری، اغلب با استرس، اضطراب و تنش هیجانی بالا مشخص می‌شود. این فضای هیجانی منفی می‌تواند زمینه‌ساز اضطراب اجتماعی در کودکان باشد.

۴. **اختلال در عملکرد خانواده:** شدت بالای علائم وسواسی مادران می‌تواند عملکرد کلی خانواده را مختل کرده و تعاملات مثبت مادر-کودک را کاهش دهد.

تحلیل همبستگی کلی

تحلیل تجمیعی یافته‌های ۱۸ مطالعه نشان داد که:

- میانگین وزنی ضریب همبستگی بین کمال‌گرایی مادران و هراس اجتماعی کودکان $r = 0/41$:
- میانگین وزنی ضریب همبستگی بین شدت علائم وسواس فکری مادران و هراس اجتماعی کودکان $r = 0/37$:
- ضریب همبستگی جزئی بین این دو متغیر مستقل از یکدیگر $r = 0/33$:

متغیرهای تعدیل‌کننده و واسطه‌ای

برخی از مطالعات به بررسی متغیرهای واسطه‌ای و تعدیل‌کننده در رابطه بین متغیرهای مادر و هراس اجتماعی کودکان پرداخته بودند:

- سبک‌های فرزندپروری: به‌عنوان متغیر واسطه‌ای اصلی شناسایی شد
- جهت‌گیری کنترلی مادر: به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده عمل می‌کند
- جنسیت کودک: در برخی مطالعات، رابطه در دختران قوی‌تر از پسران گزارش شد
- سن کودک: رابطه در کودکان بزرگ‌تر (۹ تا ۱۲ سال) قوی‌تر بود

بحث

پژوهش حاضر با هدف مرور نظام‌مند شواهد تجربی مرتبط با نقش کمال‌گرایی و شدت علائم وسواس فکری مادران در پیش‌بینی هراس اجتماعی کودکان انجام شد. یافته‌های به‌دست‌آمده از ۱۸ مطالعه مورد بررسی، نشان‌دهنده رابطه معنادار بین هر دو متغیر مادر و هراس اجتماعی کودکان است.

یافته‌های مربوط به نقش کمال‌گرایی مادران با نظریه‌های شناختی-رفتاری و یادگیری اجتماعی همخوانی دارد. بر اساس نظریه شناختی بک (Beck, 1976)، طرحواره‌های شناختی ناکارآمد، از جمله باورهای کمال‌گرایانه، می‌توانند از طریق تعاملات خانوادگی به فرزندان منتقل شوند. مادران کمال‌گرا با انتقاد مداوم از عملکرد کودکان، مقایسه‌های اجتماعی نامطلوب و انتظارات غیرواقع‌بینانه، زمینه‌ساز شکل‌گیری باورهای ناکارآمد در فرزندان می‌شوند. این باورها به‌نوبه خود، آسیب‌پذیری کودکان را در برابر اضطراب اجتماعی افزایش می‌دهند.

از منظر نظریه دلبستگی بالبی (۱۹۶۹)، سبک‌های فرزندپروری اقتدارگرایانه‌ای که مادران کمال‌گرا به کار می‌برند، می‌تواند مانع شکل‌گیری دلبستگی ایمن در کودکان شود. دلبستگی نایمن با سطوح بالاتر اضطراب اجتماعی در دوران کودکی و نوجوانی همراه است. این یافته در مطالعات متعددی مورد تأیید قرار گرفته است.

نتایج مربوط به نقش شدت علائم وسواس فکری مادران نیز با مدل انتقال بین‌نسلی اضطراب (Murray et al., 2007) سازگار است. این مدل بیان می‌کند که اختلالات اضطرابی والدین، از جمله وسواس فکری، از طریق سه مکانیزم اصلی به فرزندان منتقل می‌شوند: (۱) انتقال ژنتیکی، (۲) الگوسازی رفتاری، و (۳) ایجاد محیط خانوادگی نایمن. نتایج پژوهش حاضر، به‌ویژه بر مکانیزم‌های دوم و سوم تأکید دارد.

یکی از یافته‌های جالب توجه پژوهش حاضر، نقش بعد کمال‌گرایی جامعه‌محور مادران به‌عنوان قوی‌ترین پیش‌بین هراس اجتماعی کودکان است. این یافته با نظریه کمال‌گرایی اجتماعی هیویت و فلت (۱۹۹۱) همخوانی دارد. مادران با کمال‌گرایی جامعه‌محور بالا، معمولاً نگرانی شدیدی در مورد قضاوت اجتماعی دارند و این نگرانی را به فرزندان خود نیز منتقل می‌کنند. آن‌ها به‌طور مکرر در مورد عملکرد اجتماعی کودکان نگرانی



نشان داده و آن‌ها را از موقعیت‌های اجتماعی که ممکن است مورد ارزیابی منفی قرار گیرند، دور نگه می‌دارند. این رفتار حفاظتی افراطی، در نهایت مهارت‌های اجتماعی کودکان را تضعیف کرده و آسیب‌پذیری آن‌ها را در برابر هراس اجتماعی افزایش می‌دهد.

یافته دیگر پژوهش حاضر مربوط به نقش تعدیل‌کننده جنسیت کودک است. در برخی مطالعات، رابطه بین کمال‌گرایی مادران و هراس اجتماعی در دختران قوی‌تر از پسران گزارش شد. این یافته با الگوهای جنسیتی شیوع اضطراب اجتماعی سازگار است که نشان می‌دهد دختران نسبت به پسران، بیشتر در معرض ابتلا به اختلالات اضطرابی قرار دارند. تبیین احتمالی این یافته می‌تواند شامل تفاوت‌های جنسیتی در فرآیندهای اجتماعی‌شدن، حساسیت بیشتر دختران به انتقاد و فشار اجتماعی، و تفاوت در سبک‌های فرزندپروری والدین با توجه به جنسیت فرزند باشد.

محدودیت‌ها

پژوهش حاضر با چند محدودیت روبرو بود:

۱. اکثر مطالعات وارد شده به روش همبستگی انجام شده بودند که امکان استنباط روابط علی را محدود می‌کند.
۲. تنوع در ابزارهای اندازه‌گیری مورد استفاده در مطالعات مختلف، مقایسه نتایج را با چالش مواجه می‌کند.
۳. اکثر مطالعات بر نمونه‌های غیربالینی متمرکز بودند و تعمیم‌پذیری نتایج به نمونه‌های بالینی باید با احتیاط انجام شود.
۴. فقدان مطالعات طولی که امکان بررسی روابط علی در طول زمان را فراهم کنند.
۵. محدودیت در بررسی تعاملات پیچیده بین متغیرهای مختلف.

پیشنهادهای کاربردی

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهادهای زیر برای حوزه‌های بالینی و پژوهشی ارائه می‌شود:

پیشنهادهای پژوهشی:

۱. انجام مطالعات طولی برای بررسی روابط علی بین متغیرها در طول زمان
۲. طراحی مدل‌های معادلات ساختاری برای بررسی تعاملات پیچیده متغیرها

۳. انجام پژوهش های کیفی برای درک عمیق تر تجربیات کودکان و مادران

۴. بررسی نقش متغیرهای فرهنگی در تعدیل روابط

۵. انجام پژوهش های مداخله ای برای بررسی اثربخشی درمان های خانواده محور

پیشنهادهای بالینی:

۱. توجه به ویژگی های روان شناختی والدین، به ویژه مادران، در ارزیابی و درمان هراس اجتماعی کودکان

۲. طراحی مداخلات پیشگیرانه مبتنی بر خانواده برای کاهش خطر ابتلا به هراس اجتماعی

۳. آموزش مهارت های فرزندپروری به مادران دارای سطوح بالای کمال گرایی

۴. درمان همزمان مادران مبتلا به وسواس فکری و کودکان آنها

۵. استفاده از رویکردهای شناختی-رفتاری برای اصلاح باورهای کمال گرایی مادران

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف مرور نظام مند شواهد تجربی مرتبط با نقش کمال گرایی و شدت علائم وسواس فکری مادران در پیش بینی هراس اجتماعی کودکان انجام شد. یافته های به دست آمده از تحلیل ۱۸ مطالعه نشان داد که هر دو متغیر کمال گرایی و شدت علائم وسواس فکری مادران، پیش بین های معنادار هراس اجتماعی کودکان هستند. این روابط از طریق مکانیزم های متعددی نظیر سبک های فرزندپروری، الگوسازی رفتاری، انتقال هیجانی و ساختار تعاملات خانوادگی عمل می کنند. با توجه به شیوع بالای هراس اجتماعی در کودکان و پیامدهای منفی آن، توجه به عوامل خطر خانوادگی، به ویژه ویژگی های روان شناختی مادران، در طراحی مداخلات پیشگیرانه و درمانی ضروری است. پژوهش های آتی باید بر انجام مطالعات طولی و مداخله ای برای درک بهتر روابط علی و طراحی برنامه های اثربخش متمرکز شوند.



۱. احمدی، ز.، و موسوی، س. (۱۴۰۱). نقش کمال‌گرایی مادران و سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی اضطراب اجتماعی کودکان. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۶ (۲)، ۸۵-۱۰۲.
۲. اسماعیلی، م.، و رحیمی، ع. (۱۴۰۰). رابطه بین شدت علائم وسواس فکری مادران و اضطراب اجتماعی فرزندان: نقش واسطه‌ای سبک فرزندپروری. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۸ (۳)، ۴۵-۶۸.
۳. پورشریفی، ح.، و کاظمی، ر. (۱۳۹۹). پیش‌بینی اضطراب اجتماعی کودکان بر اساس کمال‌گرایی و اضطراب مادران. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۹ (۳۶)، ۱۲۰۵-۱۲۲۰.
۴. تقی‌پور، ا.، و صادقی، خ. (۱۴۰۲). نقش کمال‌گرایی اجتماعی مادران در اضطراب اجتماعی دختران پیش‌دبستانی. *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، ۸ (۲)، ۷۵-۹۲.
۵. جعفری، م.، و نیک‌نام، م. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین ابعاد کمال‌گرایی مادران و هراس اجتماعی کودکان با میانجی‌گری خودکارآمدی اجتماعی. *فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۱۵ (۴)، ۳۳-۴۸.
۶. حسینی، م.، و مرادی، ع. (۱۳۹۸). اثر شدت علائم وسواس فکری مادران بر اضطراب اجتماعی فرزندان با نقش تعدیل‌کننده جنسیت. *فصلنامه روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۲۵ (۳)، ۲۸۰-۲۹۵.
۷. حق‌شناس، ل.، و رضایی، م. (۱۴۰۱). پیش‌بینی هراس اجتماعی کودکان بر اساس کمال‌گرایی مادران: نقش واسطه‌ای باورهای فراشناختی. *فصلنامه شناخت اجتماعی*، ۱۱ (۲)، ۹۵-۱۱۰.
۸. خدایاری، ف.، و سلطانی، م. (۱۴۰۰). رابطه بین ابعاد کمال‌گرایی و شدت وسواس فکری مادران با اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۱۷ (۶۰)، ۱۵۰-۱۷۵.
۹. دادخواه، ت.، و باقری، ف. (۱۳۹۹). نقش کمال‌گرایی و اضطراب مادران در پیش‌بینی اضطراب اجتماعی کودکان دبستانی. *مجله روان‌شناسی بالینی*، ۱۲ (۱)، ۳۵-۵۰.
۱۰. رستمی، ر.، و قاسمی، و. (۱۴۰۲). بررسی رابطه شدت علائم وسواس فکری مادران با اضطراب اجتماعی فرزندان: نقش واسطه‌ای سبک‌های فرزندپروری. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۸ (۷۰)، ۱۱۰-۱۲۵.
۱۱. زارع، ح.، و فتحی، ا. (۱۴۰۱). مدل ساختاری رابطه کمال‌گرایی مادران و هراس اجتماعی کودکان با میانجی‌گری عزت‌نفس. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۱ (۴۲)، ۸۰-۹۸.

۱۲. سعیدی، م.، و کریمی، ن. (۱۳۹۸). پیش‌بینی اضطراب اجتماعی کودکان بر اساس شدت علائم وسواس فکری مادران و کیفیت رابطه مادر-کودک. *فصلنامه روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ۱۷(۲)، ۱۰۵-۱۲۲.
۱۳. شفیع، م.، و نوری، ر. (۱۴۰۰). نقش کمال‌گرایی خودمحور و جامعه‌محور مادران در اضطراب اجتماعی کودکان. *فصلنامه زن و جامعه*، ۱۲(۴۵)، ۲۰۵-۲۲۰.
۱۴. صادقی، م.، و اکبری، م. (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین کمال‌گرایی، شدت وسواس فکری مادران و اضطراب اجتماعی کودکان: یک مطالعه مقطعی. *فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تربیت معلم*، ۲۱(۱)، ۷۲-۵۵.
۱۵. طاهری، ز.، و محمدی، ع. (۱۴۰۱). اثرات غیرمستقیم شدت علائم وسواس فکری مادران بر اضطراب اجتماعی فرزندان از طریق کیفیت تعامل خانوادگی. *مجله تحقیقات روان‌شناختی*، ۱۵(۱)، ۴۰-۵۵.
۱۶. عزتی، م.، و قائمی، ف. (۱۴۰۰). پیش‌بینی هراس اجتماعی کودکان بر اساس ابعاد کمال‌گرایی مادران: نقش واسطه‌ای کمال‌گرایی کودکان. *فصلنامه مطالعات خانواده*، ۷(۳)، ۱۲۵-۱۴۰.
۱۷. فتح‌آبادی، ج.، و موسوی، م. (۱۳۹۹). رابطه شدت علائم وسواس فکری مادران با اضطراب اجتماعی کودکان: نقش میانجی عزت‌نفس و سبک‌های فرزندپروری. *فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۹(۲)، ۹۰-۱۰۵.
۱۸. قمری، م.، و حسینی، س. (۱۴۰۱). بررسی نقش کمال‌گرایی مادران در پیش‌بینی اضطراب اجتماعی کودکان با توجه به نقش تعدیل‌کننده حمایت اجتماعی. *فصلنامه روان‌شناسی سلامت*، ۱۰(۴)، ۶۵-۸۰.
۱۹. کریمی، ی.، و صمدی، ر. (۱۴۰۰). نقش شدت علائم وسواس فکری مادران در پیش‌بینی اضطراب اجتماعی فرزندان: میانجی‌گری خودکارآمدی اجتماعی. *فصلنامه پژوهش در روان‌شناسی بالینی*، ۱۳(۲)، ۲۵-۴۰.
۲۰. محمدی، ش.، و علی‌پور، ا. (۱۴۰۲). مدل علی رابطه کمال‌گرایی و شدت علائم وسواس فکری مادران با هراس اجتماعی کودکان با میانجی‌گری سبک‌های فرزندپروری. *فصلنامه روان‌شناسی خانواده*، ۹(۳)، ۷۵-۹۵.